

# ورزش

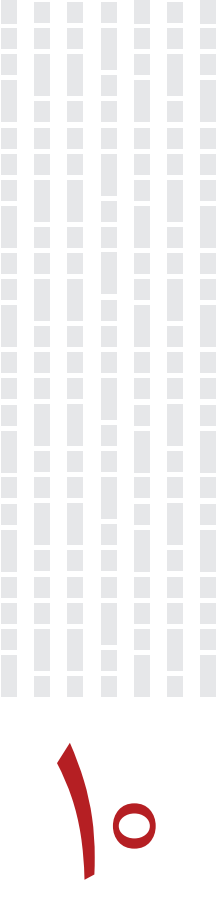
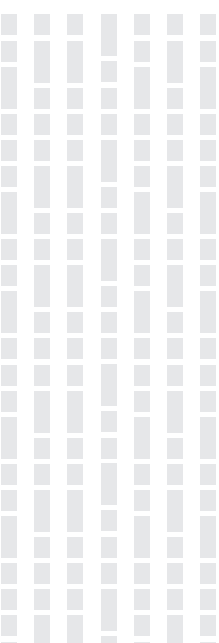
پنجشنبه ۴ آبان ۱۴۰۲

شماره ۳۹۹۱

www.fdn.ir

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY



سعید عزت‌اللهی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: قطر کی‌روش ضعیف نبود، تیم ملی سرحال و قدرتمند ظاهر شد

# رسیدن به فینال آسیا دور از دسترس نیست

■ **واپله برای تمدید قرارداد ناچار شد به خواسته‌هایم تن بدهد** ■ **حضور در استقلال را از شما شنیدیم، این اخبار گمانه‌زنی رسانه‌ای هستند**



هافبک تیم ملی بعد از همراهی این‌تیم در تورنمنت اردن و کسب عنوان قهرمانی این رقابت‌ها در فاصله دو روز مانده به سخت‌ترین دیدار تیم باشگاهی به اردوی واپله اضافه شد که با صلاح‌دید سرمربی تیم دانمارکی به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شده، این درصورتی است که همین حضور نصفه و نیمه موجب نشد تا عزت‌اللهی نمایش درخشانی را در ترکیب تیمش ارائه ندهد و اتفاقات گل واپله روی پاس گل دیدنی سعید به دست آمد. نکته قابل توجه اینکه باز هم زمزمه‌های بازگشت این بازیکن در نیم فصل به باشگاه‌های ایرانی مطرح شده، هرچند او خودش صراحتاً این گمانه‌زنی‌ها را تکذیب می‌کند. **گفت‌وگوی مفصل «فرهیختگان» با سعید عزت‌اللهی را در ادامه می‌خوانید.**

■ ■ ■

**صحبت را از واپله آغاز کنیم. با وجود شکست در بازی آخر در برابر کپنهاگن اما در این دیدار عملکرد بسیار خوبی داشتی و با یک پاس تو در، زمینه‌ساز گل اول واپله شدی.**

متأسفانه با توجه به ماجراهای قرارداد من توانستم طی ۶ دیدار ابتدایی به واپله کمک کنم و از ترکیب تیم بیرون ماندم. این درحالی است که با اضافه شدن من به ترکیب ۲ پیروزی و چند تساوی را به دست آوردم. با این اوصاف هفته گذشته جلوی بهترین تیم دانمارک به میدان رفتم. این درحالی است که من ۲ روز قبل از این دیدار از اردوی تیم ملی به دانمارک بازگشته بودم. به خاطر همراهی تیم ملی در ۲ بازی ۹۰ دقیقه‌ای در ۵ روز و همچنین سرماخوردگی که داشتم، سرمربی واپله در صحبت‌هایی که با من داشتم به منظور جلوگیری از مصدومیت اعلام کرد که ترجیح می‌دهد در این دیدار به عنوان بازیکن تعویضی وارد میدان بشوم. ورزشگاه کپنهاگن مملو از تماشاگر بود و می‌دانستم بازی سختی را در خانه حریف در پیش دارم. در هر صورت برای تیمی مثل ما که کلی بازیکن جوان و کم‌تجربه داریم سخت است که بخواهیم جلوی این تیم فوق‌العاده با کیفیت بازی کنیم. کیفیت این تیم در لیگ قهرمانان هم مشخص است. آنها پر از مهره هستند، هرچند ما هم نمایش قابل قبول و خوبی داشتیم.

**درباره پاس گل استثنایی که دادی صحبت کن.**

خدا را شکر که بعد از ورود به زمین توانستم پاس گل بدهم، هرچند یک دقیقه بعد هم دوباره با پاس من، مهاجم واپله تک به تک شد که آن را گل نکرد. فکر می‌کنم کم‌تجربگی تیم مان باعث شد نتیجه را واگذار کنیم. ما یک بر صفر جلو بودیم و می‌توانستیم نتیجه را حفظ کنیم اما روی اشتباهات فردی و کم‌تجربگی که به آن اشاره کردم و از سوی دیگر باتجربه بودن و کیفیت حریف بازی را واگذار کردیم. باین‌حال این دیدار قدم مثبت و بزرگی برای تیم ما بود و اعتماد به نفس خوبی را به دست آوردیم، چون نشان دادیم می‌توانیم حتی مقابل تیم‌های بزرگ ایستادگی کنیم و بجنگیم. امیدوارم این تجربه بتواند در بازی‌های بعدی به ما کمک کند.

**درباره ماجراهایی که منجر به بیرون ماندنت از ترکیب تیم در ابتدای فصل شد صحبت کن. به نظر با تو لجبازی کردند.**

این که لجبازی شد یا هر چیز دیگری این سیاست‌های باشگاه بود. آنها نمی‌خواستند من رامجبانی از دست بدهند و من هم چون قراردادم تا زمستان

- **به واپله متعهدم و جدایی‌ام تا پایان فصل منتفی است**
- **به‌خاطر مبلغ رضایتمانه‌ام در دانمارک ماندنی شدم**
- **تیمی که تارتار در انزلی ساخته باعث غرور من است**
- **جوی که راه افتاده شبیه زمان جام جهانی است و باز هم به‌ضررمان می‌شود!**
- **قلعه‌نویی شناخت خوبی از روحیات فوتبالیست‌های ایرانی دارد**

**حاشیه‌نگاری بازی پرسپولیس و استقلال تاجیکستان**

# ساکن طبقه بالای آزادی



میگه: «پنج و نیم حرکت کنیم» میگم: «زوده، با موتوریم و ۶ بریم.»
دزنهايت که ساعت پنج و ۵۰ دقیقه سوار موتور می‌شويم، نه حرف من می‌شود و نه حرف او.
بلیت‌هایی که رویشان نوشته روبه‌روی جایگاه و برای بازی‌های آسیایی، سیست شده را می‌گذارد داخل کیفش و ترک موتورش می‌نشینم و می‌رویم به سمت ورزشگاه آزادی.
خیابان‌ها در آن ساعت به‌طور معمول شلوغ‌ترند اما هرچه به خیابان آزادی نزدیک‌تر می‌شويم تعداد موتورها و ماشین‌هایی که پرچم قرمز دارند، بیشتر می‌شوند.
تعداد این وسایل نقلیه رابطه مستقیم داشتند با فاصله ما و ورزشگاه؛ هرچه نزدیک‌تر، ماشین‌ها و موتورهای قرم‌پوش بیشتر.
واژه شلوغ برای خیابان‌های اطراف ورزشگاه آزادی، حق مطلب را ادا نمی‌کند و باید بجایش بگوئیم «وحشتناک شلوغ».
ساعت مان را نگاه می‌کنیم. ۱۰ دقیقه به هفت است که جلوی ورزشگاهیم و جلوی در پارکینگ موتورها. در را بسته‌اند و سربازي که آنجا بود می‌گوید به پارکینگ پایین‌تر بروید و آنها که از پارکینگ پایین‌تر آمده بودند، می‌گویند آنجا هم جای نیست. خواهش و التماس، جواب نمی‌دهد و می‌رویم جلوتر تا راهی پیدا کنیم. درهای پارکینگ بسته‌اند. موتور را همان بیرون جلوی در پارکینگ بعدی می‌گذاریم. موتورهای دیگری هم آنجا و با همان وضعیت

بود حاضر به تمدید نبودم. اما در هر صورت خواست خدا بود که نتوانستند از ۶ بازی اول نتایج لازم را کسب کنند و ناچار شدند که به آن خواسته‌هایی که من داشتم مبنی بر تمدید قرارداد فقط تا پایان فصل تن بدهند و آنها هم برای اینکه بتوانم به واپله کمک کنم با این امر موافقت کردند. من هم در این مدت همه وجود و تمرکز را برای کمک به تیم گذاشتم تا ببینم در انتهای فصل چه اتفاقی رقم خواهد خورد.

**با وجود اینکه قراردادت را تمدید کردی باز هم شنیده می‌شود نیم فصل قرار است به لیگ ایران و مشخصاً به استقلال بپیوندی.**

اصلاً چنین چیزی صحت ندارد. من قراردادم را نیم فصل دیگر و تا پایان فصل امسال تمدید کردم. با توجه به اینکه جام ملت‌ها را در پیش داریم و زمانی برای جابه‌جایی نیست قطعا در خدمت واپله هستم. الان همه تمرکز خود را گذاشته‌ام تا ابتدا یک فصل خوب با واپله و سپس یک تورنمنت خوب را با تیم ملی پشت سر بگذارم و در ادامه باید ببینیم در پایان فصل چه اتفاقی می‌افتد. صحبتی که اشاره کردید همگی گمانه‌زنی رسانه‌ای هستند که من در جریان آنها نیستم!

**گویا هنوز تیم‌های ایرانی خواستار همکاری با تو در نیم فصل هستند. حالا هم به خاطر ارتباط خوبی که با نگوینام داری، گویا محتمل‌ترین گزینه برای بازگشت طبق گمانه‌زنی رسانه‌ای که به آن اشاره کردی، استقلال باشد.**

این صحبت‌ها را برای اولین بار است که می‌شنوم! باشگاه‌های ایرانی همه درگیر مسابقات و ماجراهای خود هستند و این حرفه‌ای نیست که از آن کسی بخواهد کاری کند یا مد‌آه‌ای داشته باشد. در تابستان چند باشگاه لطف داشتند و با من تماس گرفتند اما با توجه قراردادی که داشتم و به خاطر مبلغ رضایتمانه بالا که همه آنها در جریانش بودند، یک‌سری اتفاقات افتاد که منجر به ماندنم در دانمارک شده و درحال حاضر تا پایان فصل قرارداد دارم و به آن پایبند هستم.

**از لیگ ایران دور نشویم. نتایج ملوان را هنوز دنبال می‌کنی؟**

قطعا همین‌طور است. ملوان تیم شهر من و جزئی از خانواده من است. پدر من سال‌ها برای این تیم زحمت کشیده و الان هم جزء هیات مدیره این باشگاه به‌شمار می‌رود. من هم قطعا نتایج این تیم را دنبال می‌کنم. به عنوان یک انزلی جی باعث غرور من است که می‌بینم امسال آقای تارتار توانسته با توجه به مجموعه خوبی که جمع کرده؛ نتایج خوبی را به دست آورده است. ملوان امروز بازیکنان جوان و باانگیزه‌ای دارد که یک‌دست و متحد هستند. امیدوارم بازیکنان به این نتایج زود قانع نشوند و سخت کار کنند تا بتوانند به روند خوب خود ادامه بدهند. در هر صورت ملوان امید شهر ماست و امیدوارم که بچه‌ها بتوانند امسال از نام این تیم دفاع کرده و ملوان را با کسب یک رتبه خوب، دوباره به جایگاه واقعی‌اش برسانند.

**در این مدت از تیم‌های باشگاهی عربستان که پیشنهادی نداشتی؟**

صحتی در این خصوص با من نشده و پیشنهادی ندوده است. فعلا تمرکز من به یک فصل پیش رو با واپله هست و البته جام ملت‌ها که باید ببینیم چه نتایجی رقم می‌خورد و سپس با توجه به اتفاقاتی که می‌افتد به امید خدا تصمیم‌گیری کنم.

**به تیم ملی برسیم. بی‌رودریاستی چشم‌انداز تیم ملی در جام ملت‌های آسیا را چطور می‌بینی؟**

متأسفانه مثل جام جهانی جوی راه افتاده است که دزنهايت باز هم به‌ضرر ما خواهد شد. در جام جهانی نیز همه مدام از صعود به دور بعدی صحبت می‌کردند، این درصورتی است که در آخرین پله، این انتظار و فشاری که به وجود آمد و باعث شد نتوانیم آن قدم را برداریم و صعود کنیم. در تورنمنت‌ها نباید همه چیز را از قبل پیش‌بینی کرد که باید این‌طور شود یا باید فلان اتفاق بیفتد. قطعا هدف ما قهرمانی است یا به فینال برسیم اما معتقدم حضور در یک تورنمنت قضیه‌اش با رقابت‌های مقدماتی و انتخابی متفاوت است، چون در این تورنمنت‌ها شما باید هر ۴ روز یک بار بازی کنید و قطعا تیم‌های دیگر هم بیکار نشسته و تیم شما را آنالیز کرده و برای مقابله برنامه‌های مختلفی را تدارک می‌بینند، بنابراین تیمی موفق می‌شود که از لحاظ ذهنی آمادگی برای هر نوع اتفاق سختی را داشته باشد. مهم این است که بازی به بازی پیش‌رویم در هر دیدار قوی ظاهر شویم که مطمئناً اهداف بلندمدت و بزرگی که داریم، یعنی رسیدن به فینال آسیا برایشان دور از دسترس نیست. باین‌حال نظر من این است که در جام ملت‌ها باید هر بازی را یک فینال ببینیم و فارغ از اسم هر تیمی با هر زنگینی که مصاف حریفان برویم. در تورنمنت‌ها وضعیت متفاوت است و حتی تیم‌هایی که کسی روی آنها حساب باز نمی‌کند می‌توانند شگفتی ساز شوند. به خاطر همین باید همه بازی‌ها را جدی گرفته و با همه وجود ظاهر شویم تا اگر هدف رسیدن به فینال و قهرمانی باشد با کمک خدا و کمک بچه‌ها به این مهم دست پیدا کنیم.

**چرا تیم ملی قطر با کی‌روش تا این حد مقابل ایران ضعیف ظاهر شد؟**

قطر اصالتیم ضعیفی نبود. این تیم در دور قبلی جام ملت‌ها قهرمان شده است و نباید آنها را ضعیف بشماریم، بلکه تیم ملی در این دیدار سرحال و قدرتمند ظاهر شد. در این دیدار آن‌طور که در شأن و کیفیت تیم ملی بود، ظاهر شدیم. فوتبال یک ورزش تیمی است و در روزی که همه در سطح کیفی خوب شان بودند توانستیم قطر را شکست بدهیم.

**تورنمنت اردن با چه سطح کیفی‌ای برگزار شد؟**

بیشتر از هر چیزی در این رقابت‌ها کیفیت زمین ما را آزار داد، چون فاصله



**درباره صحبت‌های جنجالی کنعانی‌زادگان**

**درباره پادشاه به ملی‌پوشان نظری داری؟**

نه صحبت خاصی در این خصوص ندارم.

به رخ همه می‌کشد و احتمالاً تقسیم هم می‌کند. بوی دهانش همچنان در فضای ورزشگاه وجود دارد که مجدد جرعه‌ای می‌نوشد. تشنه‌ام می‌شود. استرس پنالتی زیاد بود. سه عدد آب معدنی که بیرون از ورزشگاه نهایتاً ۲۰ هزار تومان می‌شود را به مبلغ ۲۵ هزار تومان می‌خرم و یکی از آنها را به همین دوست غریبه‌مان تعارف می‌کنم. به بطری‌اش اشاره می‌کند و از سخاوتمت ما کمال تشکر را دارد.
بین دو نیمه دعوا می‌شود و ماموران محترم می‌آیند و دو طرف دعوا را آرام می‌کنند. انصافاً تعداد این دعواها کم بود و تصاویر زیبا در این بازی کم نداشتیم. از حضور کودکان همراه با پدرشان گرفته تا رفتار نسبتاً صحیح تماشاگران. از ابرهایی که به خاطر دود سیگارها درست می‌شد می‌گذریم. از عدد میزان تماشاگران روی اسکوربرد ورزشگاه هم می‌گذریم. یک طفل زیر هفت سال هم متوجه می‌شد که کمتر از ۵۰ هزار تماشاگر در این بازی حضور نداشتند اما عدد روی سکوها نوشته ۳۶۴۵۰ نفر. بارها به خاطر همین تعداد تماشاگران جریمه‌شده‌ام و فارغ از این جریمه‌ها، سرویس‌دهی به این تماشاگران و سرویس رفتن همین تعداد، خودش مساله دیگری است.
بازی تمام می‌شود و برمی‌گردیم. موقع رفتن به ورزشگاه، اشتیاق زیادی داشتیم و اصلاً حواس مان نبود که چقدر راه رفتیم. موقع برگشت، متوجه شدیم که موتور را کجا پارک کرده بودیم اما لذت پیروزی در این بازی، مسیر برگشت را هم کوتاه کرد. به موتور که نزدیک شدیم، از من پرسید: «بازم میای ورزشگاه؟» نگاهش کردم اما هر دویمان جواب سوال را می‌دانستیم.

این بلیت‌ها که دست‌ام است چه می‌شود؟ دوم اینکه مگر براساس بلیت‌ها و احتمالاً شماره تونل، تماشاگران نباید وارد ورزشگاه شوند؟ سوم اینکه مگر نه این است که وقتی بلیت داریم یعنی یک ربع قبل از شروع بازی هم می‌توانیم وارد ورزشگاه شویم؟ چهارم اینکه مسئول ضامن بلیت‌های ما کیست و چرا آنجا نبود؟ برای سوالات مان جوابی نداریم و سریع می‌رویم سمت طبقه دوم که میباد اینجا هم از ما گرفته‌شود و نمی‌دانیم گزینه بعدی دوستان حامی نظم کجا بشود. وارد طبقه دوم می‌شویم. حال غریب و خاصی دارد؛ اول از آن بالا نگاه می‌کنم به جای خودمان در طبقه اول و روبه‌روی جایگاه، می‌خواهم ببینم رنگین‌تر بودن خون آنها از این فاصله معلوم است که هیچ تفاوتی مشاهده نمی‌شود. حالا ما ساکن طبقه دوم آزادی شدیم و احتمالاً آنها که سر جای ما نشسته‌اند می‌خندند به ریش داشته و نداشته ما.
جای خالی پیدا می‌کنیم و می‌نشینیم روی صندلی. تماشاگرانی البته نشسته‌اند روی پله‌های وسط سکوها. یکی از آنها کنار من نشسته. کاپشنش را روی دوشش انداخته و یک بطری هم گذاشته کنار پایش. دوستی که با او آمده‌ایم سریع بسته تخمه را باز می‌کند و اشاره می‌کند به تماشاگری که کنار من نشسته روی سکوها. داور عراقی که همان دقیقه اول، پنالتی می‌گیرد به‌ضرر پرسپولیس، این تماشاگر محترم شروع می‌کند به فحش دادن و اعتراض. از سمت جنبایش، یوبی می‌زند که اگر جناب مولوی زنده بودند حتماً پیشنهاد می‌کردند که این دوست ما «خریزه در دهان کند». پنالتی را که بیرونزد می‌گیرد دوباره این دوست مان با همان الفاظ، شادی‌اش را